

مجله مطالعات ایرانی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۱

نام های خاص در ترجمه سنسکریت دادستان مینوی خرد*

دکتر احسان چنگیزی
فارغ التحصیل دوره دکتری فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران
مدرس دانشگاه

چکیده

دادستان مینوی خرد متنی به زبان فارسی میانه، مشتمل بر ۶۳ فصل و در شمار اندرنامه هاست. در قرن ۱۴ میلادی «نریوسنگ» آن را به زبان سنسکریت ترجمه کرده است. ترجمه نریوسنگ ترجمه ای لفظ به لفظ است و بدون مطالعه متن فارسی میانه قابل درک نیست و زبان آن ویژگی هایی دارد که آن را از سنسکریت کلاسیک متمایز و به زبان های ایرانی نزدیک می سازد. مینوی خرد سرشار از نام ایزدان و شخصیت های اساطیری است. مترجم این نام ها را به شیوه های مختلفی ترجمه کرده که در این مقاله بررسی می شوند.

واژگان کلیدی

سنسکریت، فارسی میانه، واج نویسی، قیاس.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۴/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۷
نشانی پست الکترونیک نویسنده: changizi59@hotmail.com

۱- مقدمه

داستان مینوی خرد (DAdestAn I mEnOg I xrad) از جمله متون فارسی میانه است که مشتمل بر پند و اندرز و نیز مطالب اساطیری و داستان‌های قدیم ایرانی است. این مطالب در قالب یک مقدمه و ۶۲ پرسش بیان شده که مجموعاً ۶۳ فصل را تشکیل می‌دهد. نشر کتاب ساده و روان، و جملات کوتاه و روشن است و احتمالاً در اواخر دوران ساسانی تدوین شده است (تفضلی، ۱۳۷: ۱۹۶-۱۹۸).

نریوسنگ (NeryOsang) از موبدان زردشتی هند در نیمه اول قرن چهاردهم میلادی (۱۹: ۱۹۱۲: Modi, Jāmāsp-Āsānā and West, ۱۸۸۷: xix) این کتاب را به پازند تحریر و به سنسکریت ترجمه کرده است. ترجمه سنسکریت نریوسنگ، گونه‌ای متأخر از زبان سنسکریت است که تحت تأثیر زبان‌های ایرانی بوده و «سنسکریت پارسی» نامیده می‌شود (Degener, ۱۹۹۱: ۴۹).

هدف نریوسنگ انتقال معانی متن فارسی میانه به معتقدان کیش زردشتی است که در محیط هند، درک زبان فارسی میانه برایشان دشوار و شاید غیرممکن بوده است. مترجم به متن فارسی میانه بسیار وفادار بوده و حتی از نظم و ترتیب کلمات آن پیروی کرده است. به همین سبب، برای مطالعه ترجمه سنسکریت توجه به معنا و مفهوم متن فارسی میانه و درک مسایل دستوری آن لازم است و بدون آن متن سنسکریت در بسیاری از موارد قابل درک نیست.

متن فارسی میانه، پازند و سنسکریت مینوی خرد را انکلساریا تصحیح و مدی چاپ کرده و بر آن مقدمه‌ای نوشته است (Anklesaria, ۱۹۱۳). روایت سنسکریت آن را نیز بهروچه (Bharucha, ۱۹۱۲) منتشر ساخته است. وست (West, ۱۸۷۱) متن پازند و سنسکریت این متن را واج‌نویسی کرده و تنها روایت پازند را به انگلیسی ترجمه نموده و در پایان برای متن پازند، واژه‌نامه‌ای تهیه کرده و در برابر هر واژه معادل سنسکریت آن را آورده است.

از برخی متون اوستایی و فارسی میانه ترجمه سنسکریت در دست است. تاکنون اشپیگل (۱۸۶۱ Spiegel)، اونوالا (۱۹۲۴ Unvala)، طرف (۱۹۸۱ Taraf) و دهقان (۱۹۸۲ Dehghan) روایت سنسکریت متون فارسی میانه و اوستایی را ترجمه کرده‌اند. هومباخ (۲۰۰۳ Humbach) نیز در مقاله‌ای درباره ترجمه‌های سنسکریت متون اوستایی سخن گفته است. دگنر (۱۹۹۱ Degener) برخی شیوه‌های ترجمه سنسکریت شکند گمانیگ وزار را بررسی کرده و راشد محصل (۱۳۷۷) نیز در مقاله‌ای متن اوستایی، زند و سنسکریت نخستین بند یسن ۲۸ را واژه به واژه تحلیل و درباره شیوه کار نریوسنگ به کوتاهی بحث کرده است. رضایی باغبیدی (Rezai Baghbidi, ۲۰۰۸) روایت سنسکریت فصل سیزدهم شکند گمانیگ وزار را به انگلیسی ترجمه و برخی شیوه‌های ترجمه نریوسنگ را بررسی کرده است. نگارنده این سطور نیز در مقاله‌ای شیوه ترجمه فعل ماضی متعدی و ساخت ارگتیو را در ترجمه سنسکریت دادستان مینوی خرد تحلیل کرده است (رک. فهرست منابع).

مترجم متن سنسکریت مینوی خرد برای ترجمه هر یک از مقولات صرفی، نحوی و معنایی روش‌های گوناگونی در پیش گرفته است. یکی از نکات جالب توجه در ترجمه سنسکریت مینوی خرد، شیوه ترجمه نام‌های خاص است. متن فارسی میانه مینوی خرد سرشار از نام ایزدان، سرزمین‌ها، شخصیت‌های اساطیری و گاه نام‌هایی است که در فرهنگ زردشتی بار معنایی خاصی دارد. مترجم برای ترجمه این نام‌ها، شیوه‌های مختلفی در پیش گرفته که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است. بررسی شیوه ترجمه نام‌های خاص فارسی میانه به سنسکریت برای محققان زبان‌های ایرانی حایز اهمیت است و افزون بر آن، معلوم می‌گردد که زردشتیان آن دوره تا چه اندازه نام‌های خاص متون دینی خویش را می‌شناختند؛ زردشتیانی که از سرزمین خود و محیط اصلی‌ای که دین زردشتی در آنجا پرورده شد، دور افتاده بودند.

در این مقاله، هر یک از اسامی خاص در جدولی آمده: ستون اول گونه فارسی میانه، ستون دوم برابر فارسی اسم، ستون سوم گونه پازند اسم و ستون چهارم برابر آن اسم در زبان سنسکریت است. در داخل پرانتز، شماره سمت راست، شماره پرسش و شماره سمت، چپ شماره بند است.

۲- بحث

۱- بسیاری از نام‌های خاص در ترجمه سنسکریت واج‌نویسی شده‌اند. مترجم برای واج‌نویسی نام‌ها، گونه پازند نام را ملاک قرار داده و بر اساس آن، نام را به سنسکریت واج‌نویسی کرده است و در بسیاری از موارد به پایان آن‌ها *-a* افزوده و در جمله نیز بر اساس اسامی مختوم به *-a* صرف شده‌اند:

āharmana *āharman* اهریمن *ahreman*

(۱۹/۱)، ۸۹، ۱۸۵؛ ۸/۲؛ ۲۲/۶، ۲۳؛ ۴/۷، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹؛
 ۲/۹، ۵، ۱۰؛ ۷/۱۱، ۱۲؛ ۷/۱۲؛ ۱۵/۱۴، ۳۹؛ ۸/۲۳؛ ۱۵/۲۶، ۳۳، ۳۶؛ ۹/۲۷؛ ۹/۳۳؛
 ۱۰/۳۶؛ ۵/۳۷؛ ۲۰/۳۸، ۳۱؛ ۴۶؛ ۱۲/۳۹، ۲۶؛ ۶/۴۱، ۷، ۱۱؛ ۳/۴۲، ۵، ۱۴؛ ۲/۴۴،
 ۸؛ ۲/۴۵؛ ۴؛ ۸/۵۱، ۱۰، ۱۵؛ ۶/۵۵؛ ۶/۵۶، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۰؛ ۳/۶۲)

در متون متأخر سنسکریت، گاه همخوان بعد از *-I* مشدد شده است؛ واژه *āharmana-* و چند واژه دیگر در این مقاله از این دسته‌اند.

baevarāspa *baevarās* بیوراسب، *bēwaras*

- *p* ضحاک *p*

(۲۹/۷؛ ۳۴/۲۶، ۳۵، ۳۹)

rašna- *rašn* رشن (ایزد) *rašn*

(۱۱۸/۱، ۱۱۹، ۱۶۳)

guštāspa- *guštāsp* گشتاسب *wištāsp*

(۱۴/۱۲؛ ۲/۲۶، ۶۷، ۶۸؛ ۲۰/۵۶)

<i>mihira-</i>	<i>mihir</i>	ایزد مهر؛	<i>mihr</i>
		خورشید	
		(۸، ۴/۵۲؛ ۲۸، ۷/۳۸؛ ۷، ۵/۱۱؛ ۱۵/۷؛ ۱۱۸/۱)	
<i>lahurāspa-</i>	<i>lahurāsp</i>	لهراسب	<i>lohrāsb</i>
	(۶۴/۲۶)		
<i>salma-</i>	<i>salm</i>	سلم	<i>salm</i>
	(۴۲/۲۶)		
<i>satavaesa-</i>	<i>satavaes</i>	سدویس (نام ستاره)	<i>sadwēs</i>
	(۱۳/۶۱)		
<i>sīnamrū-</i>	<i>sīna-mrū</i>	سیمغ	<i>sēn-murw</i>
	(۳۷، ۱۰/۶۱)		

۱-۱- نویسه‌هایی که در تحریر پازند به کار رفته‌اند، دلالت بر آوایی دارند که آن آوا جزء مجموعه واج‌های زبان سنسکریت نیست؛ بنابراین، نام‌ها با ساختمان واجی زبان سنسکریت همسان شده‌اند. گاه همسان‌سازی بر اساس قیاس واجی انجام شده است؛ مترجم واج‌های برابر در اوستا و سنسکریت را الگوی قیاس قرار داده و بنابر آن گونه پازند اسم را واج‌نویسی کرده است. تنها برابر واج‌های اوستا در سنسکریت مورد توجه مترجم است و به ندرت به بافت آوایی مشروط توجه داشته است. در بخش‌های زیر همسان‌سازی واج‌ها و قیاس‌های واجی بررسی شده است.

۱-۱-۱- به جای / در گونه پازند نام‌ها، در واج‌نویسی سنسکریت آمده:

<i>hušedara-</i>	<i>huš/dar</i>	هوشیدر	<i>hušēdar</i>
	(۹۵/۱)		
<i>hušedaramāh</i>	<i>huš/darmā</i>	هوشیدرماه	<i>hušēdarmā</i>

(۹۵/۱) a-	<i>h</i>	<i>h</i>
phredūna-	<i>fr/dūn</i>	فریدون <i>frēdōn</i>
(۲۷/۷؛ ۳۸/۲۶؛ ۲۱/۵۶؛ قس. ۱-۸)		
۱- ۱- ۲- به جای <i>ō</i> در گونه پازند نام‌ها، در واج‌نویسی سنسکریت <i>o</i> و گاه <i>u</i> آمده:		

gopatiśāh-	<i>gōpatiśāh</i>	گوبدشاه <i>gōbadśāh</i>
(۳۱، ۴/۶۱)		
candora-	<i>čandōr</i>	پل چینود <i>čīnwad</i>
، ۱۱۵/۱) puhala-	<i>puhal</i>	<i>puhl</i>
(۱۶۲)		
srośa-	<i>srōš</i>	سروش <i>srōš</i>
(۵، ۲۵/۶۱؛ ۳۵/۴۳؛ ۱۴۳، ۱۲۴، ۱۱۸، ۱۱۵/۱)		
saośiosa-	<i>saošyōs</i>	سوشیانت <i>sōšāns</i>
(۳-۲-۱؛ ۱۱-۱-۱؛ قس. ۱-۹۵/۱)		

گاه به جای *ō* در گونه پازند، در واج‌نویسی سنسکریت *u* آمده و البته آرایش واج‌ها با ساختمان هجایی زبان سنسکریت سازگار نیست:

gaiumarda-	<i>gayōmard</i>	گیومرث <i>gayōmard</i>
(۱۴، ۲/۲۶)		
gaiumardda-		(قس. ۱۱-۱-۱)
(۲۰/۵۶)		
sauśiusa-	<i>sōšyōs</i>	سوشیانت <i>sōšāns</i>
(۳-۲-۱؛ ۱۱-۱-۱؛ قس. ۷/۵۶؛ ۶۳/۲۶)		

۱- ۳- به جای *a* در گونه پازند نام، در واج‌نویسی سنسکریت *ā* نوشته شده است. *ā* اوستا در موقعیت پیش از همخوان‌های غنة *m* و *n* بدل به *a* می‌شود و

برابر \bar{a} در زبان سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲, §۴۵). مترجم از این قاعده آگاه بوده و به قیاس با آن به جای a ، در واج‌نویسی سنسکریت \bar{a} آورده است:

vaharāma- vaharāṃ بهرام (ایزد) wahrām
(۵/۵۲؛ ۹/۳۵)

vahirāma-
(۱۱۵/۱)

erānika- /rāṇag ایرانی ērānag
(۱-۱-۱ قس. ۲۵/۲۰)

sāma- sām سام sām
(۴۹/۲۶)

۱-۴- به جای x در گونه پازند این نام، در واج‌نویسی سنسکریت kh آمده؛ x اوستایی در موقعیت پیش از واکه برابر با kh سنسکریت است و به قیاس با آن، مترجم x در گونه پازند نام را kh واج‌نویسی کرده است (Jackson, §۱۰۰: Kent, ۱۹۵۳; §۴۵: ۱۸۹۲):

kharamāhī- xar-māhī کرماهی (نام ماهی) kar-māhīg
(۹/۶۱، ۳۰ قس. ۴-۱)

۱-۵- به جای $xṣ$ در گونه پازند نام، در واج‌نویسی سنسکریت $kṣ$ آمده است. خوشه همخوانی $xṣ$ اوستایی برابر با $kṣ$ سنسکریت است و به قیاس، $xṣ$ در گونه پازند نام در واج‌نویسی سنسکریت $kṣ$ آمده است (Jackson, §۷۷: ۱۸۹۲; Kent, ۱۹۵۳: §۱۰۲):

siāvakṣa- syāvaxṣ سیاوش syāwaxṣ
(۵۷، ۵۵/۲۶ قس. ۱-۱-۱)

۱-۱-۶- به جای *θ* در گونه پازند، در واج‌نویسی سنسکریت *th* آمده است. *θ* اوستا در بافت آوایی مشروط برابر با *t* یا *th* سنسکریت است (Jackson, ۱۹۵۳: §۷۶; Kent, ۱۸۹۲: §۷۶):

<i>thoja-</i>	<i>θōž</i>	تور	<i>tōj</i>
			(۲-۱-۱ قس. ۴۲/۲۶)
<i>garoθmāna-</i>	<i>garōθmān</i>	گرودمان	<i>garōdmān</i>
			(۲-۱-۱ قس. ۱۱/۶)

۱-۱-۷- به جای \square در گونه پازند، در واج‌نویسی سنسکریت *d* آمده است. \square اوستا در بافت آوایی مشروط برابر با *t* یا *d* سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۸۱):

<i>kai-</i>	<i>kai-kavā</i> \square	کیباد	<i>kay kawād</i>
	<i>kavāda-</i> (۴۵/۲۶)		(۱۱-۱-۱ قس. ۴۵/۲۶)

۱-۱-۸- به جای *f* در گونه پازند اسامی، در واج‌نویسی اسم به سنسکریت *p* یا *ph* آمده است. *f* اوستا در بافت آوایی مشروط برابر با *p* یا *ph* سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۷۷; Kent, ۱۹۵۳: §۷۵):

<i>tahmūrapha-</i>	<i>tahmuraf</i>	تھمورث	<i>tahmōrub</i>
			(۲۱/۲۶)
<i>phredūna-</i>	<i>fr/dūn</i>	فریدون	<i>frēdōn</i>
			(۱-۱-۱ قس. ۲۱/۵۶؛ ۳۸/۲۶؛ ۲۷/۷)
<i>phrejišta-</i>	<i>fr/hzišt</i>	فرزیشث (دیو)	<i>frazēšt</i>
			(۱-۱-۱ قس. ۱۱۵/۱)
<i>gandarppi-</i>	<i>gandarf</i>	گندرو	<i>gandarw</i>
			(۵۰/۲۶)

چنانکه در (۱) گفته شد، همخوان بعد از *r* در متون سنسکریت متأخر
مشدد است.

۹-۱-۱- گاه به جای *n* در موقعیت پیش از همخوان، در واج نویسی سنسکریت
(*anusvāra*) آمده است:

damāvanda- *damāvand* دماوند *damāvand*

(۲۰/۶۱)

haptoīraṅga *hapōtirang* هفتورنگ *haftōring*

-

haośiaraṅgha *haośyang* هوشنگ *hōšang*

(نیز قس. ۱-۲۱) (۱۹، ۲۰، ۲۱) (۲-۱۱)

a

vananta- *vanant* وند (ستاره) *wanand*

(قس. ۱-۱۱) (۲/۲۶، ۱۹)

(۱۲/۴۸)

۱۰-۱-۱- به جای *nm* (دو همخوان غنه در کنار هم) در گونه پازند نام، در
واج نویسی سنسکریت *m* آمده است:

camrośa- *čanmrōś* (= چینامروش) *čināmrōś*

(۴۰، ۱۱/۶۱)

(نام مرغ)

۱۱-۱-۱- به جای *ḷ* در گونه پازند نام، در واج نویسی *i* آمده؛ *ḷ* اوستا برابر *ḷ*
در زبان سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۹۲) و در هر دو زبان *ḷ* نیم-
مصوت است (Whitney, ۱۸۸۹: §۵۵; Jackson, ۱۸۹۲: §۹۲). *ḷ* میانی در
اوستا گاه ارزش آوایی *iḷ* دارد و برابر آن در سنسکریت هم *iḷ*
است (Jackson, ۱۸۹۲: §۶۸/a, §۹۲, note ۱). مترجم متن سنسکریت در نام
های خاص *ḷ* را، حتی در موقعیت آغازی، *i* و گاه *ā* واج نویسی کرده است؛ واژه-
های *yašt* (یشت، دعا) و *yazad* (ایزد) به ترتیب *īašti-* (۶۴/۱) و *iajada-*

Īajada- (مقدمه/ ۶۱؛ ۶۴/۱، ۱۳۱، ۱۲۷، ۱۷۲؛ ۹/۱۳؛ ۱۹/۱۴، ۲۴؛ ۶۲/۱۵؛ ۳۵/۲۰، ۴۱) واج نویسی شده‌اند. البته قرار گرفتن واج Ī در موقعیت میان واکه‌ای یا قبل از واکه، با ساختمان هجایی زبان سنسکریت مطابقت ندارد:

haośiāṁgha-	haošyang	هوشنگ	hōšang
(۱۹، ۲/۲۶)			

gaiumarda-	gayōmard	گیومرث	gayōmard
(۱۴، ۲/۲۶)			

gaiumardda-

(۲۰/۵۶؛ قس. ۱-۱-۲)

siāvakṣa-	syāvaxš	سیاوش	syāwaxš
			(۵۷/۲۶؛ قس. ۱-۱-۵)

phrāsiāka-	frāsyāk	افراسیاب	frāsyāg
			(۲۹/۷؛ ۳۴/۲۶، ۳۵، ۴۴، ۶۰؛ قس. ۱-۱-۸)

saośiosa-	saošyōs	سوشیانت	sōšans
(۹۵/۱)			

sauśiusa-	sōšyōs		
-----------	--------	--	--

(۶۳/۲۶؛ ۷/۵۶)

۱-۱۲-۱ در گونه پازنده، در واج نویسی به سنسکریت ū آمده است. ۷ اوستا برابر ۷ سنسکریت است و در هر دو زبان ۷ نیم مصوت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۹۳؛ Whitney, ۱۸۸۹: §۵۷). گاه در موقعیت میانی ۷ اوستا ارزش آوایی uv دارد و برابر آن نیز در سنسکریت uv است (Jackson, ۱۸۹۲: §۶۸/b). در نمونه زیر ۷، ū واج نویسی شده و واکه بین دو واج آغازین حذف گردیده و بعد از r آمده است:

phraūrddiān-	farvardyaṅ	فروردیگان (روزهای	frawardīgān
		پایان سال)	

(۱۳/۵۶؛ قس. ۱-۱-۸؛ ۱-۱-۱۱؛ ۴-۱)

۱-۱۳- به جای *z* و *ž* در گونه پازند نام‌ها، در واج نویسی به سنسکریت
 ژ آمده است. *z* و *ž* در بافت آوایی مشروط برابری *j* و *h* سنسکریت
 است (Jackson, ۱۸۹۲: §۱۶۷, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۶, ۱۷۷, ۱۷۸; Kent, ۱۹۵۳: §۸۶):

<i>ārjjūra-</i> (۱۵/۲۶)	<i>ārzūr</i>	ارزور (دیو)	<i>arzūr</i>
<i>nījīšta-</i> (۱۱۵/۱)	<i>nīzišt</i>	نزیشت (دیو)	<i>nizēšt</i>
<i>vijarsā-</i> (۱۶۶، ۱۶۴، ۱۱۶/۱)	<i>wīzarš</i>	ویزش (دیو)	<i>wizarš</i>
<i>karṁdija-</i>	<i>kandiž</i>	کنگ دژ	<i>kangdiz</i>

(۴-۱؛ ۹-۱-۱ قس. ۲/۶۱؛ ۶۲، ۵۸/۲۶).

۱-۱۴- به جای *x*^v در گونه پازند نام‌ها، در واج نویسی سنسکریت *ṣu*
 آمده و البته آرایش واج‌ها با ساختمان هجایی زبان سنسکریت سازگار
 نیست. افزون بر آن واج *x*^v در اوستا برابر با *sv* در سنسکریت است (Jackson,
 ۱۸۹۲: §۱۳۰) و مترجم برای واج نویسی *x*^v بر اساس قیاس عمل نکرده است:

<i>ṣuaetudatha-</i> (۱۴/۳)	<i>x^vaētvōdaθ</i>	خویدوده	<i>xwēdōdah</i>
-------------------------------	------------------------------	---------	-----------------

ṣuaetuadatha

(۶-۱-۱؛ ۲-۱-۱ قس. ۱۲/۳۶؛ ۷/۳۵)

<i>padasaṣuārgar</i>	<i>padaš^vārg</i>	پدشخوار	<i>padišxwārga</i>
a-	<i>ar</i>	گر (طبرستان)	<i>r</i>

در واج نویسی گونه پازند *padaš^vārgar* در میان نام‌های *sa* افزوده
 شده است.

kai-	kai-	کیخسرو	kay-
ṣuśrava-	x ^v asraw		husraw

(۷/۵۶؛ قس. ۱-۲)

xu در گونه پازند همین نام *ṣu* واج نویسی شده: *kai-xusraw* در بند (۹۵/۱؛ ۵۸/۲۶، ۵۹) *kai-ṣuśrava-* واج نویسی شده است.

۱-۲- گاه یک نویسه در گونه پازند، در واج نویسی سنسکریت به صورت دو واج مختلف آمده است:

۱-۲-۱- *č* در گونه پازند اسامی همیشه *c* واج نویسی شده و در نمونه زیر *ch* گفتنی است *č* اوستا برابر با *c* و *k* سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: § ۶۷):

manoṣchihar	manōščiha	منوچهر	manuščih
a-		r	r

(۴۱/۲۶؛ قس. ۱-۲)

۱-۲-۲- *s* همیشه به صورت *s* واج نویسی شده؛ اما در دو نمونه زیر *ś* (کامی) واج نویسی شده است. *s* اوستا در بافت آوی می مشروط برابر با *s* یا *ś* (کامی) سنسکریت است (Id: § ۱۰۸, ۱۴۶):

kahośa-	kahos	کاووس	kayōs
۵۴/۲۶	۲۷/۷		
	(۲۱/۵۶)		
śruvara-	sruvar	شاخدار	srūwar
	(۵۰/۲۶)		

srūwar به معنای «شاخدار» است و *mār ī srūwar* (= مار شاخدار) ازدهایی است که به دست گرشاسپ کشته شد. مترجم متن سنسکریت *srūwar* را نام خاص پنداشته و آن را واج نویسی کرده است.

š در گونه پازند این نام، یک بار به صورت s و یک بار به صورت š (کامی) واج نویسی شده است:

kai-	kai-	کیخسرو	kay-
šusrava-	xusraw		husraw

(۹۵/۱)؛ ۵۸/۲۶

(۵۹)

kai-	kai-	کیخسرو	kay-
šusrava-	x ^v asraw		husraw

(۷/۵۶؛ قس. ۱۱-۱-۱؛ ۱۴-۱-۱)

š-۳-۲-۱ در گونه پازند نام ها، در واج نویسی سنسکریت به هر دو صورت š (کامی) و s (برگشته) آمده است. š اوستا در بافت آوایی مشروط برابر با š (کامی) و s (برگشته) سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: § ۱۵۵, ۱۵۹):

rašna-	rašn	ایزد رشن	rašn
--------	------	----------	------

(۱۱۸/۱، ۱۱۹، ۱۶۳)

saošiosa-	saošyōs	سوشیانت	sōšans
-----------	---------	---------	--------

(۹۵/۱)

saušiusa-	sōšyōs		
-----------	--------	--	--

(۷/۵۶؛ ۶۳/۲۶)

haošiarŋgha-	haošyang	هوشنگ	hōšang
--------------	----------	-------	--------

(قس. ۱۱-۱-۱؛ ۲-۱-۱)

(قس. ۱۹، ۲/۲۶)

(۱۱-۱-۱)

nījišta-	nīzišt	نزیشت (دیو)	nizēšt
----------	--------	-------------	--------

(قس. ۱۱۵/۱؛ ۱۳-۱-۱)

vijarša-	wīzarš	ویزرش (دیو)	wizarš
----------	--------	-------------	--------

(قس. ۱۳-۱-۱؛ ۱۶۶، ۱۶۴، ۱۱۶/۱)

نکته قابل توجه آن است که *št* اوستا برابر *ṣt* سنسکریت است و مترجم در واج‌نویسی نام‌ها به قیاس، *št* را در گونه‌ی یازند نام‌ها اغلب *ṣt* واج‌نویسی کرده است (Jackson, ۱۸۹۲: §۱۵۹; Kent, ۱۹۵۳: §۹۳):

<i>guṣtāspa-</i>	<i>guštāsp</i>	گشتاسپ	<i>wištāsp</i>
			(۲۰/۵۶؛ ۶۸، ۶۷، ۲/۲۶؛ ۱۴/۱۲)
<i>phrejišta-</i>	<i>fr/hzišt</i>	فرزیشث (دیو)	<i>frazēšt</i>
	(۱۱۵/۱)		

(قس. ۱-۱-۱؛ ۱۳-۱-۱)

<i>vourubarṣti-</i>	<i>vōurubaršt</i>	وروبرشث	<i>wōrūbaršt</i>
	(۱۰/۱۵)	(کشور)	
<i>vourujarṣti-</i>	<i>vōuruzaršt</i>	وروجرشث	<i>wōrūjaršt</i>
	(۱۰/۱۵)	(کشور)	

(۱۳-۱-۱؛ ۲-۱-۱)

۱-۳-۲-۱- گاه *ṣ* هم به صورت *s* و هم *š* واج‌نویسی شده است:

<i>āšmoī-</i>	<i>āšmōī</i>	آشموخی، بددینی	<i>ahlomōγīh</i>
	(۷/۵۸؛ ۸/۴۴)		
<i>āsmoī-</i>			
	(۱۸/۳۵)		

۱-۳- بعضی نام‌ها با پسوند *-ān* نسبت ساخته شده‌اند، بعد از واج‌نویسی نام و همسان‌سازی واجی، پسوند *-ān* به صورت اسم یا صفتی ترجمه شده و جزء دوم ترکیب قرار گرفته تا با نام اصلی، مفهوم کاملتری از آن برآید:

<i>marakoša</i>	<i>malakosaq</i>	ملکوسان	<i>malkōsān</i>
<i>-rākṣasīya-</i>	<i>n</i>		

(قس. ۲-۲-۱؛ ۲۸/۲۶)

در واج‌نویسی *malkosaṇ* به جای *l* در گونه پازند، در واج‌نویسی *r* آمده است. پسوند *-ān* به صورت واژه *rākṣasīya-* ترجمه شده، واژه اخیر با پسوند *-īya-* (Whitney, ۱۸۸۹: §۱۲۱۵) از *rākṣasa-* ساخته شده که اسم مذکر به معنی «موجود شر/پلید» است (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۸۷۱/۳)؛ واژه *rākṣasīya-* به معنی «شیطانی، پلید» است و ترکیب *marakośa-* *rākṣasīya-* به معنی «ملکوس پلید/اهریمنی» است. گفتنی است یکی از ویژگی‌های ترجمه سنسکریت، واژه‌سازی از طریق وندافزایی است؛ مترجم با افزودن پسوند، واژه‌ای ساخته که در سنسکریت کلاسیک چنین واژه‌ای به کار نرفته و در فرهنگ‌های موجود زبان سنسکریت نیز نیامده است.

spitama- *spitamāṇ* سپیتمان *spitāmān*
putra- (۱۵/۱۲)

spitāmān نام خانوادگی زردشت است؛ پسوند *-ān* به صورت اسم مذکر *putra-* به معنی «فرزند» ترجمه شده (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۶۳۲/۳) و ترکیب *spitama-putra-* به معنی «فرزند سپیتمه» است.

۴- به برخی نام‌ها بعد از واج‌نویسی، واژه‌ای افزوده شده تا مفهوم نام یا کلام در ذهن خواننده روشن‌تر شود:

avistā-vāc- *awestā* اوستا *abestāg*
 (مقدمه/۲۷؛ ۱۵/۱۵)

vāc- اسم مؤنث است به معنی «سخن، کلام» (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۹۳۶/۱) و ترکیب *avistā-vāc-* به معنی «کلام اوستا، سخن اوستا» است. مترجم در عبارت زیر (مقدمه/۲۷)، با کاربرد واژه *vāc-* در جزء دوم ترکیب *avistā-vāc-* (در حالت ازی جمع)، مجاز موجود در عبارت را از بین برده است:

az abestāg paydāg

از اوستا پیدا[ست]...

avistāvāgbhyaḥ prakāṭam

از کلام‌های اوستا پیدا [است] ...

padasaṣuāraga *padašx'ārg* پدشخوار *padišxwār*
 ra-deśa- *ar* گر (طبرستان)

(۴۴/۲۶؛ قس. ۱-۱-۱۴)

deśa- اسم مذکر است به معنی «ناحیه، بخش» (Monier-Williams, ۴۹۶/۲: ۱۸۹۹) و ترکیب *padasaṣuāragara-deśa-* به معنی «ناحیه پدشخوار گر» است.

mājamdara- *māzandar* مازندر *māzandar*
 deśīya- (گروهی از دیوان)

(۴۰/۲۶؛ قس. ۱-۱-۱۳)

deśīya- صفت است به معنی «ساکن، اهل» (Id.: ۴۹۶/۲) و ترکیب *mājamdara-deśīya-* به معنی «ساکن مازندر، اهل مازندر» است. مترجم *māzandar* را، که به معنی «بزرگ» است و به گروهی از دیوان اطلاق می‌شود (Mackenzie, ۱۹۷۱: ۵۵؛ نیز تفضلی، ۱۳۸۰: ۴۵، ۹۶)، نام مکانی پنداشته است.

phraūrddiān- *farvardyan* فروردیگان (پنج روز پایان سال) *frawardīgā*
 samaya- *n*

(۲/۵۶؛ قس. ۱-۱-۸؛ ۱-۱-۱۱؛ ۱-۱-۱۲)

samaya- اسم مذکر است به معنی «زمان، هنگام» (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۱۱۶۴/۱) و ترکیب *phraūrddiān-samaya-* به معنی «زمان فروردیگان» است.

satavaesa- *satavaes* سدویس *sadwēs*

(ستاره) tāraka- (۱۳/۶۱)

tāraka- اسم خنثی است، به معنی «ستاره» (Id.: ۴۴۴/۱) و ترکیب satavaesa-tāraka- به معنی «ستاره سدویس» است.

kamak- kamak (نام کَمَک) kamag
nāman- (مرغی)

(۵۰/۲۶)

nāman- اسم خنثی به معنی «نام» است (Id.: ۵۳۶/۲) و kamak- nāman- به معنی «کَمَک نام / به نام کَمَک» است.

kharamāhī- xar- (نام کرماهی) kar-
matsya- māhī (ماهی) māhīg
(۹/۶۱، ۳۰؛ قس. ۱-۱-۴)

matsya- اسم مذکر به معنی «ماهی» است (Id., ۱۸۹۹، ۷۷۶/۳) و kharamāhī-matsya- به معنی «ماهی کرماهی» است.

karṁdija- kandīž (کنگ دژ) kangdiz
prāsāda-

(۵۸/۲۶، ۶۲؛ قس. ۱-۱-۹؛ ۱-۱-۱۳)

karṁdija- اسم مذکر است به معنی «کاخ، تالار، صحن» (Id.: ۷۰۹/۳) و prāsāda- به معنی «کاخ کنگ» است.

۵-۱- بعضی نام‌ها را با توجه به گونه اوستایی آن‌ها واج‌نویسی می‌کنند. در جدول زیر، ستون اول گونه فارسی میانه نام، ستون دوم برابر فارسی، ستون سوم گونه پازند، ستون چهارم گونه اوستایی و ستون پنجم برابر سنسکریت آن است:

vidadapsu- vīdaḍafšu- vīdadafš widadafš ویددافش
(۱۰/۱۵) (کشور جنوب)

(غربی)

phradadapsu- fradaḍafšu- fradadafš فرددافش (کشور)

(۱۰/۱۵)

(جنوب شرقی)

در واج‌نویسی سنسکریت این دو اسم، گونهٔ اوستایی آن‌ها مورد توجه بوده است. خوشهٔ همخوانی $f\check{s}$ اوستا برابر با ps سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۱۴۴) و مترجم به این نکته توجه داشته است. اما f در موقعیت پیش از همخوان برابر با p سنسکریت است (Id.: §۷۷/۲).

jarathuštr	zaraθuštr	zaraθ	زردشت	zardu(x)
a-	a-	uštr		št

(مقدمه/۱۰؛ ۱۵/۱۲؛ ۲۰/۵۶؛ ۲۴، ۲۶)

در این نام به جای $\check{s}t$ و \check{z} در گونهٔ پازند نام، در واج‌نویسی سنسکریت به ترتیب $\check{s}t$ و \check{z} آمده است (قس. ۱-۲-۳؛ ۱-۱-۱۳).

ahuramajd	ahura-	hōrməzd	اهرمزد	ohrməzd
a-	mazdāh-			

(مقدمه/۴۹؛ ۵۱؛ ۸۹/۱؛ ۱۵۰، ۱۸۵؛ ۲۴/۶؛ ۶/۱۱؛ ۱۱؛ ۷۵/۲۶؛ ۳۰/۵۶)

در واج‌نویسی سنسکریت این نام، به جای \check{z} آمده است (قس. ۱-۱-۱۳).

۲- در برابر برخی از نام‌های خاص در ترجمهٔ سنسکریت، نام‌های آن در اساطیر هندی آمده؛ در اینجا ستون اول گونهٔ فارسی میانه، ستون دوم برابر فارسی نام، ستون سوم گونهٔ پازند و ستون چهارم برابر سنسکریت آن است:

meru-	arburz	البرز	harborz
-------	--------	-------	---------

(۲۰/۴۸)

alburz (۴۷/۵۵)

(۱۳/۵۶؛ ۱۲/۴۸)

meru- نام کوهی در اساطیر هندی است (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۸۳۳/۲).

jarṁbudvīpa-	x^v aniras	خونیرث	xwaniras
--------------	--------------	--------	----------

(۴۰/۲۷؛ ۳۱/۶۱)

نام اقلیم مرکزی در میان هفت اقلیمی است که کوه
meru- را فرا گرفته‌اند (Id.: ۴۱۲/۲).

kṣira-	zrah	i	دریای وَرکش	zrēh	ī
samudra-		varkaš			warkaš

(۲۶/۶۱؛ ۱۵/۴۳)

kṣira-samudra- به معنی «اقیانوس شیر» نام اقیانوسی است در اقلیم
(Id., ۳۳۰/۱) śveta-dvīpa-

yamašeda-	ḡim	ج—م،	ḡam
(۲۱/۵۶؛ ۲۷/۷)		جمشید	

yama- نام شاه جهان مردگان و نخستین انسان در اساطیر هندی است (Id.:
(Bartholomae, ۱۹۶۱: ۱۳۰۰) yima- در اوستا این نام به صورت
همراه با صفت -xšaēta «درخشان» (Id., ۱۹۶۱: ۵۴۱) آمده است. این نام در
متون فارسی میانه از جمله مینوی خرد گاه به صورت ḡam (پازند: ḡim) و گاه در
ترکیب با صفتش، -xšaēta، به صورت ḡamšēd (پازند: ḡamšī) آمده
است. مترجم متن سنسکریت در ۲۷/۷ و ۲۱/۵۶ برای ترجمه ḡam (پازند: ḡim)،
yamašeda- آورده؛ yama- همتای ḡam در اساطیر هندی است و -šeda-
واج نویسی -šēd به سنسکریت است (← ۳: ḡamšēd).

۳- برخی اسامی خاص به سنسکریت ترجمه شده است:

kāla-	zurvaṇ	زروان	zurwān
(۱۵/۷)		(ایزد زمان)	

samaya-
(۱۰/۲۶؛ ۸،۹/۷)

Id:) samaya- و (Monier-Williams: ۱۸۹۹, p. ۲۷۸/۱) kāla-
(۱۱۶۴/۱) هر دو به معنی «زمان» هستند.

jala-	avardā □	خرداد	hordād
-------	----------	-------	--------

mūrti-

jala-

mūrṭti-

(۳۴/۱)

(۵۶/۱۵)

jala- اسم خنثی به معنی «آب» است (Id.: ۴۱۴/۲) و mūrṭti- اسم مؤنث به معنی «شکل، ظاهر» (Id.: ۸۲۴/۲)؛ ترکیب jala-mūrṭti- به معنی «آب شکل، دارای ظاهر همچون آب» است. چون *hordād* ایزد موکل بر آب است، مترجم متن سنسکریت نام این امشاسپند را چنین ترجمه کرده است.

nidrādhikya

būṣyāsp

بوشاسپ (دیو)

buṣāsp

(خواب)

(۲۹/۱)

nidrā- اسم مؤنث است به معنی «خواب» (Id.: ۵۴۸/۲) و adhikya- اسم است به معنی «فراوانی» که از صفت adhika- به معنی «بسیار، فراوان» (Id.: ۲۰/۲) و پسوند -ya- (۱۲۱۳: ۱۸۸۹: Whitney) ساخته شده؛ nidrādhikya- به معنی «بسیار خوابی، فراوانی خواب» است.

prāk-

p□ṣ-

پیشداد

pēšdād

sṛṣṭa-

dā□

pēšdād گونه فارسی میانه واژه اوستایی *para-ḍāta-* است و در اوستا لقبی برای هوشنگ است (Bartholomae, ۱۹۶۱: ۸۵۴). این واژه را «نخستین آفریده» و «نخستین قانونگذار» یا «نخستین دادگستر» تعبیر کرده‌اند (رک. بهار، ۱۳۷۸: ۱۸۹-۱۹۰؛ کریستن سن، ۱۳۷۷: ۸-۱۶۷؛ ۴۲۰: Yarshater, ۲۰۰۶). در متون فارسی میانه *pēšdād* لقبی برای گروهی از شاهان اساطیری از جمله هوشنگ است. مترجم متن سنسکریت این نام را *prāk-sṛṣṭa-* به معنی «نخستین

آفریده» ترجمه کرده است؛ -prāk گونه ترکیبی -prāñc صفت به معنی «پیشین، قبلی» است (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۷۰۳/۳) و -sr̥ṣta صفت است به معنی «زاده، آفریده» (Id.: ۱۲۴۵/۳).

trirātra-	sədōš	سدوش	stōš
(۷/۶۲)		(چهارمین روز)	
trirātrīya-		(پس از مرگ)	
(۱۰/۲۰)			

trirātra- اسم خنثی است به معنی «سه شبانروز» (Monier-Williams, ۱۸۹۹, ۴۶۰/۱) و trirātrīya- صفت است به معنی «سه شبانروزی» از trirātra- با پسوند صفت ساز -īya- (Whitney, ۱۸۸۹: §۱۲۱۵).

svāmin-	hōrməzd	اهرمزد	ohrməzd
mahājñānin-			
(م/۱، ۵؛ ۱۱/۶؛ ۲/۷، ۸، ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۰؛ ۲/۹، ۶، ۹؛ ۵/۱۱، ۷، ۸، ۹/۱۲، ۱۵؛ ۱۴/۱۴؛ ۲۹/۲۰؛ ۱۳/۲۶).			

مترجم این نام را بر اساس گونه اوستایی آن، -māzdāh- ahura- ترجمه کرده است. -svāmin- اسم مذکر به معنی «سرور» است (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۱۲۸۴/۱) و -mahājñānin- صفت به معنی «بسیار دانا» است (Id.: ۷۹۶/۱).

yama-	ḡamšī	جمشید	ḡamšēd
dīptimaya-			

ḡamšēd و ḡam دو گونه فارسی میانه یک نامند (← ۳). اسم -yima در اوستا با صفت -xšaēta همراه است و این اسم و صفت در فارسی میانه به صورت ḡamšēd آمده؛ مترجم متن سنسکریت این اسم را به صورت -yama-dīptimaya- (= جم/یم درخشان) ترجمه کرده؛ -yama- اسم شاهی در اساطیر هندی است (← ۲: ḡam) و -dīptimaya- به معنی «درخشان» است از -dīpti-

اسم مؤنث به معنی «روشنی، درخشش» (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۴۸۱/۳) با پسوند صفت‌ساز -maya- (Whitney, ۱۸۸۹: §۱۲۲۵).

jam-kard جمکرد (نام) *jam-kard* yama-
 (دژ) k□ta-
 (۱۵، ۳/۶۱؛ ۲۹، ۲۷/۲۶)

برای ترجمه *jam* همتای هندی آن yama- ذکر شده (← ۲: *jam*) و جزء دوم k□ta- ترجمه شده که صفت مفعولی گذشته است به معنی «ساخته، کرده» (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۳۰۱/۳)؛ yama-k□ta- به معنی «یمه/جم ساخته، یمه/جم کرده» است.

۳- نتیجه گیری

پیش از هر چیز باید توجه داشت که هدف نریوسنگ از ترجمه مینوی خرد و دیگر متون فارسی میانه زردشتی، حفظ و رواج آن‌ها در میان معتقدانی بود که در قرن چهاردهم میلادی در هند و به دور از آن جامعه زردشتی می‌زیستند که دین، فرهنگ و سنت آن‌ها در آنجا پرورش یافته بود. بنابراین، هم بعد زمانی و هم بعد مکانی موجب شده بود تا معتقدان با زبان اوستایی و فارسی میانه آشنایی نداشته باشند. شیوه غالب ترجمه نام‌های خاص، یعنی واج‌نویسی آن‌ها به سنسکریت نشان می‌دهد که بسیاری از نام‌های خاص در جامعه زردشتی هند شناخته شده بوده است. نریوسنگ با هر سه زبان اوستا، فارسی میانه و سنسکریت آشنایی داشته و تا حدی می‌دانسته که همتای هر واج زبان اوستا چه واجی در زبان سنسکریت است. او به قیاس با ساختمان واجی واژه‌های معادل در اوستا و سنسکریت سعی کرده گونه پازند را واج‌نویسی کند. اما ذکر صفت یا اسمی بعد از نام خاص، برای روشن‌تر ساختن آن، ذکر همتای هندی یک نام در فرهنگ و اساطیر هندی و ترجمه برخی از نام‌ها نشان از دغدغه نریوسنگ برای آشنایی بیشتر عامه زردشتیان با نام‌های خاص و شیوه بیان زبان فارسی میانه بوده است. او

بر آن بوده تا برخی نام‌ها برای معتقدان و مردمان عادی ملموس‌تر و قابل درک‌تر باشد. نریوسنگ که خود روحانی مذهب زردشتی بوده، به خوبی از نام‌های خاص مذهب خود و معنا و مفهوم آن‌ها آگاه بوده است. او رسالت خود می‌دانسته تا به هر طریق ممکن، نام‌ها و دانش خود را از فرهنگ و اساطیر مذهب خویش در میان هم‌دینانش در محیط هند رواج دهد و به خوبی نیز از عهده این کار برآمده است.

کتابنامه

- ۱) بهار، مهرداد، ۱۳۷۸، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: نشر آگه.
- ۲) تفضلی، احمد (۱۳۴۸)، *واژه‌نامه مینوی خرد*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳) تفضلی، احمد (۱۳۷۷)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- ۴) تفضلی، احمد (۱۳۸۰)، *مینوی خرد*، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ سوم، تهران: نشر توس.
- ۵) چنگیزی، سیف‌اله، «*فعل ماضی متعدی و ساخت ارگاتیو در متن فارسی میانه، سنسکریت و فارسی دادستان مینوی خرد*»، زبان و ادب فارسی (نشریه دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز)، (زیر چاپ).
- ۶) راشد محصل، محمد تقی (۱۳۷۷)، «*درباره برگردان سنسکریت اوستا*»، جشن‌نامه استاد ذبیح‌الله صفا، به کوشش سید محمد ترابی، چاپ اول، تهران: نشر شهاب.
- ۷) کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۷، *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.
- ۸) Anklesaria, T. D. (۱۹۱۳), *Dânâk-u Mainyô-i Khard*, Bombay.
- ۹) Bartholomae, C. (۱۹۶۱), *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.
- ۱۰) Bharucha, Sh. D. (۱۹۱۲), *Collected Sanskrit Writings of the Parsis*, Part III, Bombay.

- ۱۱) Degener, A. (۱۹۹۱), “Neryosanghs Sanskrit-übersetzung von Škand gumānīg vičār”, *Corrolla Iranica* (papers in honour of Prof. Dr. David Neil MacKenzie on the occasion of his ۶۵th birthday on April ۸th, ۱۹۹۱), ed. R. E. Emmerick and D. Weber, Frankfurt am Main/Bern/New York/Paris, Peter Lang, pp. ۴۹-۵۸.
- ۱۲) Dehghan, A. (۱۹۹۱), *Der Avesta-Text Srōš Yašt (Yasna ۵۷) mit Pahlavi-und Sanskritübersetzung*, München.
- ۱۳) Humbach, H. (۲۰۰۳), “Neriyosangh and His Sanskrit Translation of Avesta Texts” , *Ātaš-e Dorun, The Fire Within, Jamshid Soroush Soroushiyan Memorial Volume II*, ed. C. G. Cereti and F. Vajifdar, Clifornia, pp. ۱۹۹-۲۱۲.
- ۱۴) Jackson, A.V.W. (۱۸۹۲), *An Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit*, Stutgart.
- ۱۵) Kent, R.G. (۱۹۵۳), *Old Persian*, New Haven, Connecticut.
- ۱۶) Mackenzie, D. N. (۱۹۷۱), *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford.
- ۱۷) Modi, J.J. (۱۹۱۲), “Introduction”, *Dānāk-u Mainyô-i Khard*, Bombay, pp. ۱-۲۲.
- ۱۸) Monier-Williams, M., (۱۸۹۹), *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford.
- ۱۹) Rezai Baghbidi, H. (۲۰۰۸), “Linguistic Peculiarities of the Sanskrit Translation of the ۱۳th Chapter of the Škend Gumānīg Wizār”, *Essays in Honor of SĀDĪQ KIYĀ*, ed. Askar Bahrami, Mīras-i Maktūb, Tehran, pp. ۱۳۱-۱۶۶.
- ۲۰) Spiegel, F. (۱۸۶۱), *Neriosengh’s Sanskrit-Übersetzung des yaçna*, Leipzig.
- ۲۱) Taraf, Z. (۱۹۸۱), *Der Avesta-Text Niyāyiš mit Pahlavi-und Sanskritübersetzung*, München.
- ۲۲) Unvala, J. M. (۱۹۲۴), *Neryosangh’s Sanskrit Version of the Hōm Yašt (yasn IX-XI) with the Original Avesta and its Pahlavi Version*, Vienna.
- ۲۳) Whitney, W. D. (۱۸۸۹), *Sanskrit Grammar*, ۲nd ed., London.

۲۴) West, E. W. (۱۸۷۱), *The Book of the Mainyo-i-Khard*, Stuttgart-London.

۲۵) Yarshater, E. (۲۰۰۶), "Iranian Historical Tradition", *The Cambridge History of Iran*, ed. By Ehsan Yarshater, Vol. ۳(I), Cambridge University Press, pp. ۳۴۳-۴۷۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی